

یادداشت

خطای هاله‌ای



طاہر غمشی‌زاده

بسیاری از مردم حل مسأله را عالی‌ترین نمونه‌اندیشیدن به شمار می‌آورند. در کنار حل مسأله می‌گوئیم به هدفی برسیم ولی وسیله حاضر و آماد‌های برای این کار در اختیار نداریم. باید هدف را به پاره هدف‌ها و این پاره هدف‌ها را نیز به هدف‌های جزئی‌تر تقسیم کنیم تا سرانجام به سطحی برسیم که ابزار دستیابی می‌یابیم. استراتژی و راهبرد هایی که مردم برای آنالیز و تجزیه هدف‌ها به پاره هدف‌ها برمی‌گزینند از موضوعات اساسی در حل مسأله است. نکته مهم دیگر نحوه بازیابی مسأله است چون این نیز عامل مؤثری در حل مسأله محسوب می‌شود. یکی از راهبردها این است که در موقعیت مسأله، تفاوت وضعیت موجود با وضعیت هدف را که همان صورت حل شده مسأله است، کاهش دهیم؛ فکر زیربنایی در روش کاهش تفاوت این است که خرده هدفی تعیین کنیم که با دستیابی به آن در موقعیتی نزدیک‌تر به هدف قرار بگیریم. راهبردی مشابه ولی پیچیده‌تر نیز هست که تحلیل وسیله-هدف نام دارد. در این راهبرد، وضعیت موجود با وضعیت هدف مقایسه می‌شود تا مهم‌ترین تفاوت این دو وضعیت مشخص گردد. موفقیت در حل مسأله نه تنها تابع نوع راهبرد تجزیه مسأله به عناصر آن است بلکه به نحوه بازیابی مسأله نیز بستگی دارد. در روانشناسی و علوم شناختی خطای هاله‌ای «اثر هاله‌ای» به انگلیسی Halo Effect به تمایلی گفته می‌شود که در آن یک فرد، شرکت، نشان تجاری یا محصول به دلیل مثبت بودن در یک زمینه؛ در سایر زمینه‌ها نیز مثبت تلقی می‌شود. اثر هاله‌ای نام مفهومی است که به موجب آن سنجش گر تمایل به تأثیرپذیری بر اساس قضاوت‌های قبلی مبتنی بر شخصیت یا کارایی داشته باشد. این خطا، نوعی سوگیری شناختی است و می‌تواند فرد را از پذیرش یک شخص، یک محصول و یا نشان تجاری بر پایه یک باور خوب یا بد؛ بی‌اساس باز دارد. خطای هاله‌ای به حوزه نوعی خطا در شناخت و تصمیم‌گیری گفته می‌شود که تحت تأثیر ذهنیت قبلی قضاوت‌کننده شکل می‌گیرد و می‌تواند از حقیقت و انصاف به دور باشد؛ در کنار اثر هاله‌ای که به زبان ساده خوب دیدن بی دلیل یک فرد است، اثر شاخ نیز سوگیری شناختی است که وقتی گفته می‌شود این قضاوت دارای بار منفی باشد؛ مانند وقتی شخصی غیرجذاب باشد، به راحتی بیش از کسی که جذاب است در یک جرم مقصر شناخته می‌شود که از آن به عنوان اثر شاخ Horn Effect یاد می‌شود؛ به عنوان مثال وقتی معلمی با استاد دانشگاهی یا مدیرعامل یک مجموعه ورزشی؛ از دانش آموز، دانشجو، یا سرمربی تیمش ذهنیتی منفی به عنوان یک فرد «تبل» دارد در برخورد‌های بعد نیز ممکن است این پیشداوری بر قضاوت و تأثیر نگذارد؛ از این رو است که به معلمان، اساتید دانشگاه و مدیران شرکت‌ها یا مدیران ورزشی همیشه خواسته می‌شود این قضاوت‌های موقه‌ای اجتماعی خود یا جناح مقابل خویش، به اسامی دانش آموزان، دانشجویان و یا مریبان مجموعه باشگاهی مقابل خود نگاه نکنند تا ذهنیت‌های قبلی بر نحوه قضاوت آنها تأثیر نگذارد. تأثیر خطای هاله‌ای می‌تواند در قضاوت‌کننده به تصویر ذهنی قبلی مثبت یا منفی باقی بماند؛ شرکت‌های بزرگ در دنیا و مارک‌های معروف «برند» در این زمینه تلاش می‌کنند تا اسم محصول در اصلاح خراب نشود و اعتبار همیشه‌ی را داشته باشد. این خطای مداوم در قضاوت، بازتاب دهنده و انعکاسی از کنده و تجربیات فردی، پیشداوری‌ها، آرمان‌ها و ادراک اجتماعی و حتی سیاسی در سبب سیاست قلمداد می‌شود و در این راستا یکی از دلایل استغفای جینی گل محمدی سرمربی موفق و کاربلد سرخپوشان پایتخت که با پرسپولیس در چهار سال متوالی گذشت سه بار قهرمانی در لیگ و یک قهرمانی در جام حذفی و دو بار قهرمان سوپر جام لیگ برتر ایران و همچنین دو بار توانسته با پرسپولیس نایب قهرمان جام باشگاه‌های آسیا شود؛ عدم تمدید قرارداد او پس از فتح سه‌گانه فوتبال ایران «قهرمانی در لیگ، جام حذفی و سوپر جام کشور» در فصل گذشته و سپس عدم تحقق خواسته‌های مدنظر او در این منطقه تیم در چندین پست کلیدی در نیم فصل و تابستان و جدایی بازیکنان شاخص از جمع سرخپوشان و جذب نیل باهوئی در دقیقه ۹۰ قبل از بسته شدن لیست تیم پرسپولیس برای جام باشگاه‌های آسیا و عدم درخشش او و کارایی نه چندان مناسب شهپاب زاهدی در نیم فصل و جام باشگاه‌های آسیا و شکست مقابل الدحیل قطر و وداع تلخ و زود هنگام سرخپوشان و هواداران پرشور میلیونی سرخپوشان با جام باشگاه‌های آسیا باعث شد تا لیگ جی محمدی که شب سردرورزشگاه که سه‌بار ورزشی برای او یک ترازوی در جمع میلیون‌ها هوادار با برتباب بطری برای او رقم زده بود برای ششمین بار بیایبی استغفای خود را اعلام کرد؛ اما باز با وساطت پیشکسوتان پرسپولیس و افرادی نظیر علی پروین، محمد منجدی، حمید درخشان، محسن خلیلی و... و در راستا استغفای پانچ‌ه‌می، عدم دوام برای سرخپوشان بزرگش و سرمربی دوباره به سرکارش بازگشت تا اینکه پس از تساوی در دربی و آنگاه تساوی مقابل استقلال خوزستان و سپس برد در برابر شگفتی‌ساز شمس آذر قزوین با وجود نفره شدن سرخپوشان و مجدداً تساوی با زده هفت پایانی نیم فصل مقابل سیم رفسنجان در کرمان پس از اتمام بازی در کنفرانس خبری استغفای خویش را به رسانه‌ها و مجرای اعلام کرد و در جملاتی کوتاه گفت امیدوار است کسی که به پرسپولیس می‌آید بتواند موفق شود و ما جنگ‌های رسانه‌ای خارج از زمین را باختمیم و سرخپوشان پایتخت با وجود گلید و گلید مد نظرمان را به تیم اضافه کنیم و از سه روز است دسترس باشگاه خارج شده و تلفن همراهش را خاموش کرده و تلاش‌های برای بازگشت دوباره او بی‌فایده بوده و جایزه خباز جانشینی مهدی تارتار و مئتل برنکو، کالدرون و اسکوچیچ می‌دهند که همگی گمانه زنی صرف است، چرا که تارتار نیز منتظر است تا در ملوان با کسب رتبه ششم گذرانده و با این تیم قرارداد دارد و براتکو هم سرمربی تیم ملی عمان است و آماده همپای تیم ملی این کشور برای جام ملت‌های آسیاست و اسکوچیچ هم سرمربی تیم زیر ۲۳ ساله‌های کرواسی است و قرارداد دارد و کالدرون هم پس از بی‌مهری‌هایی که دیده‌ام حاضر به بازگشت به همراه اسکوچیچ به ایران نیست؛ این قبیل مسائل و قضایایی از این دست نشان می‌دهد که مدیرعامل سرخپوشان نتوانسته با سرمربی تیمش هماهنگ باشد و حداقل انتظارات مدنظر او را که جذب یک مهاجم تمام‌کننده شش‌دانگ است برآورده کند و با قول‌های ناتمام وعده و وعید و با فرار رویه جلوری‌ای خود و نه موفقیت تیم بزرگ پرسپولیس زمان خرید است و این مسأله بی‌اختیار آدمی را یاد رمان معروف محمود دولت‌آبادی «روزگار سپری شد که مردم سالخورده» می‌اندازد و در این راستا شوخی‌خانه باید گفت که رضا درویش مدیرعامل تیم سرخ‌پوش پایتخت قافیه را به خود، سرمربی تیم و هواداران پرشور و میلیونی پرسپولیس باخته و دوره قول و قرارها و عدم وفای به عهد او سپری شده است. فوتبال و سیاست همواره شبانه به شبانه هم حرکت کرده‌اند و هر دو مکمل یکدیگر هستند و آن‌ها را به بال‌های یک‌پرنده تشبیه می‌کنند که بدون دیگری فرایند پرواز ممکن و میسر نخواهد شد؛ کارشناسان سپهر ورزش، فوتبال را یک جنگ بدون تیراندازی قلمداد می‌کنند و بی سبب نیست که در ۹۰ قاره جهان از دیدار فوتبال زیادی را چه پای‌گیرنده‌های تلوپوینی و از قاب دیدن‌های «سینما» بان‌غول جادویی سینمایی هالیوودش یادمانده‌های نجومی یکی از نبول سارترین و پیرامندترین صنعت‌های دنیا به شمار می‌رود و پنجمین حرفه پرطرفدار جهان از این حیث بلا میلیاردر بیننده است.

حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

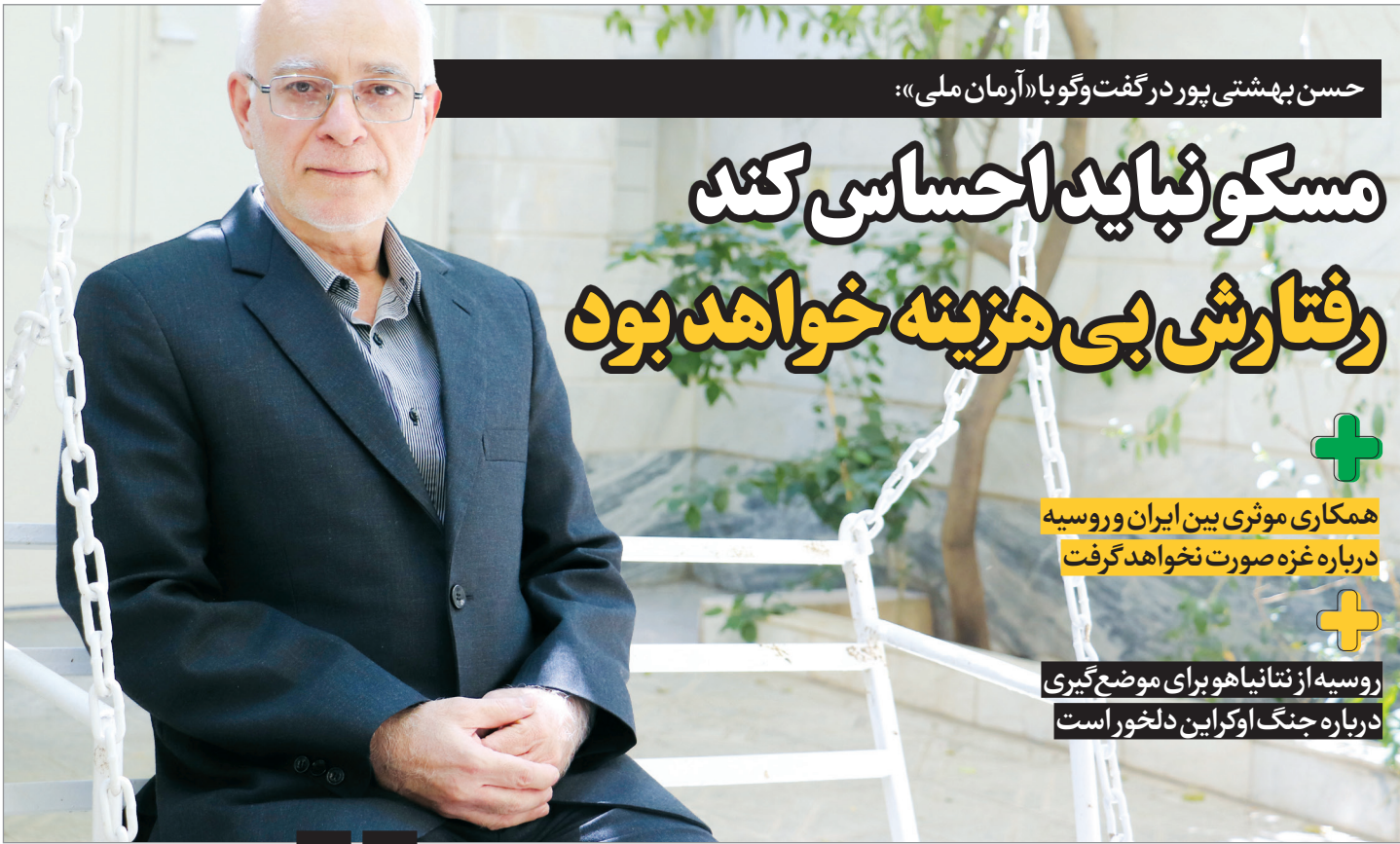
مسکو نباید احساسی کند رفتارش بی‌هزینه خواهد بود

همکاری موثری بین ایران و روسیه

درباره غزه صورت نخواهد گرفت

روسیه از نتایج هوپ برای موضع‌گیری

درباره جنگ اوکراین دلخور است



آرمان ملی - احسان انصاری؛ چرا روابط ایران و روسیه قابل پیش‌بینی و شفاف نیست و روس‌ها هر از چندگاهی رفتاری از خود نشان می‌دهند که نشان دهنده اتحاد با ایران نیست؟ موضع ایران و روسیه درباره بحران غزه چیست و چرا شاهد یک همکاری فزاینده بین ایران و روسیه در بحران غزه نیستیم؟ دو کشور چه موضعی نسبت به بحران غزه دارند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور معتقد است؛ واقعیت این است که روسیه در جایگاهی نیست که بتواند نظر نتانیاهو را برای توقف جنایتی که در حال انجام است در غزه تغییر بدهد و یا آن را متقاعد کند. بر این اساس، خیلی بعید است که بین ایران و روسیه در موضوع غزه همکاری موثری شکل بگیرد. چون اساساً دیدگاه‌های ایران نسبت به آینده فلسطین با دیدگاه روسیه در مورد آینده فلسطین تفاوت دارد. روسیه قائل بر شکل‌گیری دو دولت است، یعنی دولت فلسطین با پایتختی قدس شرقی و دولت اسرائیل با پایتختی قدس غربی است. در حالی که ایران دنبال تشکیل کشور واحد فلسطین از طریق یک همه‌پرسی است که روسیه موافق آن نیست». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا روابط ایران و روسیه هیچ‌گاه یک رابطه قابل پیش‌بینی نبوده است؟

سنت قدیمی روس‌ها سه‌استفاده از تعارضات موجود بین کشورهاست. به همین دلیل نیز در بیانیه اخیر روسیه سعی می‌کند با دست گذاشتن روی این مسأله حساس روابط خود بین ایران و کشورهای عربی را تنظیم و به بهترین شکل از آن بهره برداری کند. از طرف دیگر روسیه در اوپک و اوپک پلاس با طرف عربستانی همکاری می‌کند تا قیمت نفت را بالا نگه دارد. روسیه، همین‌طور نفت خود را با قیمت خیلی پایین‌تر از نرخ بازار می‌فروشد. اگر قیمت نفت از اینکه هست پایین‌تر بیاید روسیه بسیار متضرر می‌شود. بنابراین با وجود روابط نزدیکی که با ایران دارد منافعی ایجاد می‌کند که با اعراب هم روابط نزدیکی برقرار کند. بهانه روسیه درباره جزایر سه‌گانه بسیار مسخره است به همین دلیل نیز مسکو نباید احساس کند رفتارش بی‌هزینه خواهد بود. نکته دیگر این است که ایران هیچ وقت اشغال کریمه و ضمیمه شدن آن به خاک روسیه را به رسمیت نشناخت. موضع ایران این است که این منطقه استراتژیک جزء خاک اوکراین است. اوکراینی که حتی قبل از فروپاشی شوروی عضو سازمان ملل بوده است. کشور اوکراین و روسیه سفید و استثناء بودند که علاوه بر شوروی در سازمان ملل کرسی داشتند. من یک پژوهش تاریخی در مورد قطعنامه‌هایی که در مورد فلسطین صادر شده است انجام می‌دادم و به نکته شایان توجهی برخورددم. در اولین قطعنامه‌ای که در مورد فلسطین در ۱۹۴۷ صادر شده است؛ اوکراین هم به عنوان عضو انتخابی شورای امنیت را خود را اعلام کرده است. یعنی نه تنها اوکراین از ۱۹۴۷ عضو سازمان ملل بلکه عضو انتخابی شورای امنیت هم بوده است. آن وقت روسیه هويت جنایی کشوری را زیر سوال می‌برد و کریمه و چهار استان دیگر این کشور را ضمیمه خاک کشورش می‌کند.

آیا موضعی که ایران نسبت به رویکرد روسیه در این زمینه گرفت را بیجا و مناسب می‌دانید؟

واقعیت این است که در این موضوع روسیه یک موضع‌گیری نشانیه دپیلماتیک داشته و برخورد ایران هم باید دیپلماتیک باشد و نمی‌تواند و نباید بیشتر باشد. ایران تا حدی که امکان داشته اعتراض کرده و طرف روسیه هم با صدور بیانیه سعی کرد توجه‌کننده تمامیت ارضی ایران را قبول دارد. درحالی که ایران سه جزیره را جزو تمامیت ارضی خود می‌داند و هیچ کشوری حاضر نیست درباره تمامیت ارضی خودش سخت‌گویی کند. تأکید می‌کنم که روسیه خود را بی‌اطلاعی زده و در واقع تعاقلی می‌کند آن هم در موضوعی مهم که برای ایران خط قرمز است. البته بهانه‌ای که روس‌ها در دفاع از خود می‌آورند بسیار مسخره است. آنها می‌گویند که ما تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسیم. نمی‌شود که شما تمامیت ارضی کشوری را به رسمیت بشناسید بعد حاکمیت ملی آن کشور را نادیده بگیرید.

بعید است که بین ایران و روسیه

در موضوع غزه همکاری موثری شکل

بگیرد، چون اساساً دیدگاه‌های ایران

نسبت به آینده فلسطین با دیدگاه

روسیه در مورد آینده فلسطین کاملاً

تفاوت دارد. روسیه قائل بر شکل‌گیری

دو دولت است، یعنی دولت فلسطین با

پایتختی قدس شرقی و دولت اسرائیل

با پایتختی قدس غربی است، در حالی

که ایران دنبال تشکیل کشور واحد

فلسطین از طریق یک همه‌پرسی است

که روسیه موافق آن نیست

تعمال مناسبی با این کشور باشند. اما به تدریج این عدد و ارقام افزایش پیدا کرد. تا اینکه روسیه به دلیل درگیری نظامی با اوکراین دچار تحریم‌های بین‌المللی شد. بنابراین، بعد از اینکه روسیه تحریم شد تمایل همکاری با ایران در آن تقویت شد. به هر حال، ایران همچنان تمایل دارد که همکاری خود را افزایش بدهد، ولی مقاومت‌های هر دو کشور وجود دارد. با این وجود آنچه مسلم است دولت‌های دو کشور به صورت جدی دنبال گسترش روابط اقتصادی خود هستند، اما به هر حال بسیار به کند ی پیش می‌رود. حداقل انتظار می‌رفت بحث کریدور شمال - جنوب به سرعت پیش برود اما شاهد تحرک چندانی نیستیم و دلایل متعددی دارد. یکی از دلایل این است که در بخش‌های غیر دولتی در روسیه تمایل چندانی برای همکاری با ایران وجود ندارد در ایران نیز همین وضعیت وجود دارد و بخش‌های خصوصی مایل به همکاری با روس‌ها نیستند. با این وجود تلاش می‌کنند با ایجاد مزیت‌هایی از طریق همکاری با کشورهای اوراسیا و تخفیف‌های گمرکی و برداشتن تعرفه‌های گمرکی در این زمینه‌ها روابط را مقداری گسترش بدهند، ولی هنوز هم نسبت به آنچه باید باشد کند پیش می‌رود.

رویکردی که روسیه در اوکراین در پیش گرفته به چه میزان روی مواضع این کشور در بحران غزه تأثیرگذار بوده است؟

صرف نظر از نتیجه جنگ اوکراین، مسکو و کی‌یف هر دو بازنده اصلی این جنگ هستند. و تنها کشوری که برنده این جنگ خواهد بود ایالات متحده آمریکا است؛ چرا که این کشور همچنان از منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک با اسرائیل روی موضوع مناقشات اوکراین نیز اختلاف جدی دارد. در حال حاضر حداقل کاری که می‌توان کرد اقدام به منظور برقراری آتش‌بس و توقف جنگ در غزه است که با توجه به تفاوت مواضع ایران روسیه اینکه در نهایت چه اتفاقی رخ بدهد جای بحث و تأمل دارد.

*** منافع اقتصادی در هم تنیده ایران و روسیه اجازه نمی‌دهد ایران راه خود را از روسیه جدا کند؟**
تا سه سال پیش سقف تبادلات مالی بین دو کشور به دو میلیارد دلار هم نمی‌رسید که این خیلی عدد پایینی به شمار می‌آید. در واقع روس‌ها با تمایلی نداشتند که همکاری اقتصادی خود با ایران را افزایش بدهد یا اینکه نمی‌توانستند به واسطه تحریم‌های غرب علیه ایران در حمایت از ایالات متحده آمریکا از رژیم صهیونیستی راهبردی و استراتژیک است و این بدان معنی است که دیدگاه واشنگتن نسبت به جنگ و ارسال کمک‌های نظامی و مالی به اوکراین تغییر کرده باشد. البته دیدگاه اتحادیه اروپا نیز مشابه آمریکا است. در شرایط فعلی هیچ نشانه‌ای برای پایان جنگ اوکراین وجود ندارد. اما بهتر است هرچه زودتر این جنگ به اتمام برسد اگر کی‌یف برای عدم عضویت در ناتو به مسکو تعهد بدهد و از مواضع گذشته خود عقب‌نشینی کند آینده جنگ به سرعت تغییر خواهد کرد. امروز روسیه قدرت نظامی بالایی دارد و می‌تواند دست به عملیات گسترده نظامی بزند، اما مهم این است که کشته شدن از هر دو طرف، تنها به نفع آمریکا خواهد بود.

حاکمیت سرزمینی ایران در جزایر سه‌گانه غیرقابل تردید است اما روس‌ها با زرنگی

می‌خواهند این دو مسأله را از هم جدا کنند. از طرفی می‌گویند ما تمامیت ارضی ایران را

می‌پذیریم از آن طرف مناقشه ادعایی کشورهای عربی را به دیوان بین‌المللی ارجاع می‌دهند.

این تعارض آشکار است. من فکر می‌کنم ایران باید قاطعانه به طرف روس این مسأله را

بفهماند که ایران در مورد حاکمیت ملی خود با هیچ‌کسی شوخی ندارد. کمترین کاری که

باید صورت بگیرد احضار سفیر از مسکو است. طرف مقابل نباید احساس کند که چنین

رفتارهایی بدون هزینه خواهد بود

نگره

جنگ غزه چه هزینه‌ای برای اقتصاد اسرائیل داشته است؟

جنگ‌هایی که در طول تاریخ میان اعراب و اسرائیل رخ داده، عموماً چندان طولانی نبوده و غالباً در کمتر از یک ماه به پایان رسیده‌اند. اما حمله ۱۷ اکتبر گروه حماس به اسرائیل، جنگی را به راه انداخته که پس از گذشت سه ماه همچنان ادامه دارد و هنوز چشم‌اندازی هم برای پایان آن دیده نمی‌شود. این جنگ اما علاوه بر جان‌های بسیاری که ستانده، آثار و تبعات اقتصادی فراوانی هم برای دو طرف به همراه داشته است. نوار غزه تقریباً با خاک یکسان شده و بر اساس اعلام وزارت بهداشت فلسطینی وابسته به حماس، حدود نیمی از ساختمان‌ها و دوسوم خانه‌ها در این منطقه آسیب دیده و ویران شده‌اند. وضعیت در نوار غزه به‌گونه‌ای است که رئیس‌جمهوری و ستان سازمان ملل هشدار داد که این منطقه «غیرقابل سکونت شده است.» این در حالی است که علاوه بر ۲۲ هزار کشته، این جنگ بیش از یک میلیون ۸۰۰ هزار نفر رانیز آواره کرده است. در مقابل این خسارات عظیم در نوار غزه، خسارات در اسرائیل هم قابل توجه است و اقتصاد این کشور را با چالش روبه‌رو کرده است. برخی کارشناسان شوک اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ را با اثرات این جنگ یکسان می‌دانند و برخی دیگر از اقتصاددانان معتقدند هزینه‌های وارد شده در این جنگ حتی از آن هم فراتر رفته است. از ۱۷ اکتبر (۱۵ مهر) به بعد هزینه‌های دولت اسرائیل و استقراض آن به شدت افزایش و درآمد مالیاتی هم به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. بر اساس گزارش بانک مرکزی اسرائیل، در سال ۲۰۲۴ تولید ناخالص داخلی این کشور کاهش خواهد یافت و از پیش‌بینی سه درصدی پیشین به حدود یک درصد خواهد رسید. همچنین برخی اقتصاددانان احتمال انقباض در اقتصاد این کشور را سرنوشتی محتمل معرفی کرده‌اند. در ۱۷ دسامبر، سازمان مرکزی آمار اسرائیل در گزارشی اعلام کرده بود رشد اقتصادی این کشور در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۳ به دو و نیم درصد کاهش یافته که در مقایسه با زمان مشابه سال ۲۰۲۳، حدود ۴ درصد کمتر بوده است.

بحران فراخوان سربازان ذخیره‌ای

همچنین تعداد قابل توجه سربازان ذخیره‌ای که به‌ارزش فراخوانده شده‌اند، بخش دیگری از مشکل است. در سه ماه گذشته حدود ۲۲ هزار سرباز این مسئله هم بخش دیگری از تبعات اقتصادی است که بر دوش اسرائیل سنگینی می‌کند. افرادی که تا ماه اکتبر (مهر) آن‌ها آور خانه بودند، حالا چند ماهی است در نوار غزه درگیر جنگ با حماس هستند. احضار یگان‌های ذخیره‌ای هم همچنین اثرات جنگ باعث شده حدود ۲۰ درصد از کارگران اسرائیلی از کار بکار شوند. در همین باره وزارت کار اسرائیل گزارش داده که صدها هزار کارگر، به دلیل فراخوان‌های بی‌وقفه به نبره‌های ذخیره، به صورت دائم باوقت‌آرا کار اخراج شده‌اند.

کمبودهای مالی جنگ برای اسرائیل

تمام این‌ها در حالی رخ داده که جنگ و تأمین تسلیحات نظامی هم هزینه‌های قابل توجهی روی دوش اقتصاد اسرائیل گذاشته است. روزنامه آمیکون و انشایهو، نخست‌بش این کشور از جنگ روزانه ۶۶۰ میلیون دلار برای اسرائیل هزینه می‌تواند. این در حالی است که چشم‌اندازی هم برای پایان زود هنگام این نزاره دیده نمی‌شود و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این کشور، هشدار داده باید انتظار داشت جنگ به نوزده خاتمه یابد. در همین حال روزنامه اقتصادی کالکالیست چاپ اسرائیل بر اساس آمارهای اولیه وزارت دارایی این کشور تخمین زده که اگر جنگ اسرائیل با حماس شش تا ۱۲ ماه طول بکشد، هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیارد شکل معادل حدود ۵۱ میلیارد دلار بر اقتصاد این کشور تحمیل خواهد کرد؛ مبلغی که معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی اسرائیل است. در کنار این موارد می‌توان به کاهش درآمدهایی چون کم شدن ۹۰ درصدی ورود گردشگران به این کشور هم اشاره کرد. نکته دیگری سرمایه‌گذاری در اسرائیل هم دچار تعلیق شده و بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی خارجی برنامه‌های خود برای سرمایه‌گذاری در این کشور را پس از شروع جنگ به تعویق انداخته‌اند. از سوی دیگر هزینه‌های خود جنگ هم بخش دیگری از مشکل است. هم‌مهدم‌های خودر و هواپیماهای نظامی اسرائیل در نوار غزه این کشور را مجبور کرده تا بار دیگر برای تهیه این اقلام هزینه کند.

تهدیدات بانک مرکزی اسرائیل

انباشه شدن این مشکلات اقتصادی باعث شده بانک مرکزی اسرائیل در اقدامی که سابقه برای نخستین بار در ۴ سال اخیر نرخ بهره را کاهش دهد تا از این طریق بتواند به خانوارها و مشاغل کمک کند. بر اساس تصمیم این نهاد اسرائیلی، هزینه‌های استقراض با ۲۵ واحد کاهش به ۵.۴ درصد می‌رسد. آخرین باری که نرخ بهره در این کشور کاهش یافته بود، به آوریل ۲۰۲۰ بر می‌گردد که اسرائیل هم مانند دیگر نقاط دنیا با بحران همه‌گیری ویروس کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کرد. تمام این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که تلاش‌های کاخ سفید برای اعطای کمک مالی به اسرائیل هم فعلاً معلق مانده و لایحه بودجه تسکینی دولت برای کمک ۱۴ میلیارد دلاری به اسرائیل به دلیل اختلافات میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در کنگره متوقف مانده است. بانک مرکزی اسرائیل تخمین زده که دولت باید ۳۰ میلیارد دلار تعدیل‌های بودجه‌ای در نظر بگیرد تا بتواند علاوه بر افزایش هزینه‌های دائمی دفاعی، هزینه‌های غیرنظامی مربوط به جنگ و آسیب‌های آن از جمله بازسازی مناطق مرزی این کشور در امتداد نوار غزه را جبران کند.